

گاهی دچار زود باوری می‌شویم گاهی هم دیرباوری. در مقوله زود باوری مثلا عرض شود اکرم خانم از آشنایان ما در باره زود باوری در تویییتی نوشته بود: " روزی اکبر آقا آمد خانه و با چهره‌ای بشاش گفت اکرم جون وسایلت را جمع کن می‌خواهم بیرومت پاریس! خیلی خوشحال شدم از ذوق، سریع رفتم که ساک و چمدان را ببندم که اکبر آقا گفت وایسا بابا. تو چرا زود باور کردی؟ منم گفتم: به همان دلیلی که وعده‌های پیش از ازدواجت را باور کردم.همانطور که وعده‌های پیشا انتخاباتی را باور کردم."لذا ما گاهی خیلی زود باوریم همچو اکرم خانم!

گاهی دچار دیرباوری می‌شویم چنانکه در حالی که مسئولین از ثبات یا کاهش قیمت‌ها می‌گویند ما باورنمی‌کنیم چون "باوردان" ما مشکل پیدا کرده. نرم افزار باورمان مشکل خورده. حق هم داریم چنانکه یک فعال سیاسی گفته: قطار دولت روحانی دچارراهنی شده. انگار ایشان فیلم وسترن زیاد دیده که چندین مصداق سینمایی از نوع ژانر وسترن غربی بکار برده.یعنی باور کنیم دولت یک قطار است ناگهان همچو فیلم‌های وسترن عده‌ای راهزن نقاب دار کاپوی به او این قطار را نشنیده بودیم. لذا باور حرف ایشان سخت است. البته یک چیز را زود ملت می‌کنیم اینکه از جیب ملت از قطار ملت راهزنی‌هایی شده است. مردان نقاب دار و بی‌نقاب یا همان مفسدان اقتصادی که معرف حضور ملت هستند به قطار ملت پورش‌ها برده‌اند.

اما اینکه جناب قنبری می‌گوید: " دولت مثل پدر خانواده‌ای است که شغلش را از دست داده" این هم باورش سخت است. یعنی دولت حتی تدارک تار چی هم نیست؟.طلفک ما و پدر بیکار. یعنی دولت پدر بیکار است؟ دوست اهل تله پات‌ما طی تماسی گفت: بین اگه دولت بیکار باشه دولتی که باید برای مردم پدری کنه اگه پدر بیکار باشه باید گفت: از دولت بیکار نتوان هیچ طلب کرد- از بابای بیکار نتوان "اب نبات" هم طلب کرد اما تو باور می‌کنی دولت که پدر ماست بیکار است؟ می‌گویند بچه آدم بیکار مثل بچه یتیم می‌مونه! بعد یکمرتبه زد زیر گریه و می‌گفت ای وای بابامون بیکاره!



بزرگ آقا (علی نصیریان): تو این دنیا تو تنها کسی نیستی که دلت شکسته ، به آنچه می‌خواستی نرسیدی. اصل بر نرسیده‌اگه برسی جای تعجب داره.

شهرزاد - حسن فتحی

حافظ نامه

ظرفی نزد ما آمد و گفت ای حافظا اخیرا یکی از فعالین سیاسی در آفتاب یزد گفته: دولت دچار راهزنی شده است. تو را به شاخه نباتت در فال ات چه می‌گویی؟ در فال گفتم: شدرهن سلامت زلف تووین عجب نیست

امام علی (ع): آفت وفاداری، پیمان شکنی است.

گر راهزن تو باشی صد کاروان توان زد در تفسیر شعرهم گفتمیم: روزی سرکرده یک دسته از راهزنان نزد ما آمد و گفت می‌خواهیم به کاروان دولتی‌ها بزنیم. به نظرت موفق می‌شویم؟ این شعر را برای او سرودم. پس بسیار حمله رهزنان به دولت عجب نیست

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آفتاب

■ اذان ظهر ۱۲:۵۸ ■ اذان مغرب ۱۹:۲۲ ■ اذان صبح فردا ۵:۲۷ ■ طلوع آفتاب فردا ۵:۵۱

پاسخ تند پرویز پرستویی به رئیس شبکه سه سیما:

هر زمان تشخیص بدهم به تلویزیون برمی‌گردم



عیدی به پنهان‌های نسخه تحریم صداوسیما و شبکه «ادیکال‌سه» را می‌پیجد و به فاصله یک ماه و نیم، در همان صفحه اینستاگرام طاقت نمی‌آورد و می‌گوید هر شب ماه مبارک رمضان پای سرریال همان شبکه رادیکال و همان صداوسیما‌اشک می‌ریزد!»

پاسخ پرستویی

منظور فروغی از آن سلبریتی مطرح شده در نامه‌اش پرویز پرستویی بازیگر کشورمان بود که البته از سوی او، این لحظه فروغی بی‌جواب نماند. پرویز پرستویی در صفحه اینستاگرامش پاسخ تند و تیزی به رئیس شبکه سه سیما داد. در بخش‌هایی از نامه این هنرمند آمده‌است:

علی فروغی

متولد ۱۳۶۷

مدیر شبکه ۳ سیما

پسر باجان...

اولا، بنده اعلام کردم تلویزیون حق نداره حتی مرگ من و وزیرنوبس بره.دوما،من نگفتم تلویزیون تماشا نخواهم کرد.سوما،مگه صدا و سیما ملک شخصی یارت پدری شماست؟ راحت کنم، بنده همه شبکه‌های ایرانی و غیر ایرانی رو نگاه می‌کنم، تمام اخبارهای داخلی و خارجی رو دنبال می‌کنم، چون کار من ایجاب میکنه،خوب ببینم،خوب بشنوم و خوب بخونم. اگر بنده اعلام کردم به تلویزیون نخواهم آمد، به خاطر ...!

امثال شماست. تا زمانیکه صدا و سیما میلی، مدیرانی چون شما (البته شخص شما کوچکتر از انی هستنید که من به خاطرش اینستاگرامش پاسخ تند و تیزی به رئیس شبکه سه سیما داد. در بخش‌هایی از نامه خواهد بود که هست. (البته منهای بعضی از عزیزانی که صادقانه کار می‌کنند). آخه شما یا چه تجربه و تخصصی مدیر شبکه تلویزیونی شدید؟ فقط چون من آнім که رستم بود پهلوان؟ بعد حالا چی شده مرده

نصب دستگاه تغذیه حیوانات شهری در بوستان قیطره به

زیادی از حیوانات شهری از جمله گربه‌ها و پرندگان بهترین مکان برای جانمایی این دستگاه خورشیدی کار می‌کند و گنجایش ۲۲۰ لیتر را دارد و با توجه به مشارکت شهروندان و بردن مخزن بازیافت،مسئول مربوطه اقدام به تخلیه و فضاسازی مجدد دستگاه می‌کند.»

این اقدام شهرداری مورد تحسین کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته و واکنش‌های آنها را نیز در پی داشته است.

یکی از کاربران در این مورد نوشته است:« یک اقدام بسیار پسندیده که امیدواریم به زودی جاهای بیشتری اجرا شود.»

کاربر دیگری گفته است:« این دستگاه که توی پارک قیطره گذاشتن خیلی خوبه! توش ظروف پلاستیکی مثل آب معدنی بندازی واسه حیوانها

کمتر وجلوگیری از انتقال بیماری، با همکاری اداره بازیافت و تفکیک پسماند شهرداری منطقه یک، اولین دستگاه تغذیه حیوانات شهری در بوستان قیطره به نصب شد.» وی درباره نحوه کار این دستگاه گفت: «در کنار این دستگاه آموزشی مستقر است تا به شهروندان نحوه کار با دستگاه را آموزش دهد بدین روش که با انداختن هر بطری خالی آب و مایعات به محل مشخص شده روی دستگاه از طریق سنسور، مقداری غذا برای حیوانات آزاد و در ظرف انتهای دستگاه وارد می‌شود و حیوانات می‌توانند از آن استفاده کنند.»عبدالملکی گفت: «شهروندان می‌توانند آب مانده در ته بطری خود را نیز در محل مشخص شده خالی کنند تا آب کافی نیز کنار ظرف غذای حیوانات قرار گیرد.» وی افزود: «بوستان قیطره به دلیل وجود تعداد

آفتاب یزد – گروه شبکه: به تازگی شهرداری تهران در اقدامی پسندیده،دستگاه تغذیه حیوانات شهری را در پارک قیطره تهران نصب کرده است. اقدامی که هم محیط زیست را از شر بطری‌های پلاستیکی خلاص می‌کند و هم غذای حیوانات را تامین می‌کند. این دستگاه با استفاده از مواد بازیافتی به منظور فرهنگ‌سازی و آموزش تفکیک پسماند به شهروندان و کمک به تغذیه حیوانات نصب شده است. در این راستا رضا عبدالملکی، معاون امورشهری و محیط زیست شهرداری منطقه یک گفت: باتوجه به سیاست‌های شهرداری تهران در راستای کاهش تولید و تفکیک پسماند خشک و کم هزینه‌سازی بطری‌های بازیافتی و همچنین ارتقاء سطح دانش وفرهنگ حفاظت از محیط زیست و کمک به تغذیه حیوانات شهری با آلودگی



غذا ریخته میشه! آفرین به مسئولین!» دیگری نوشت:« به به، باید از این حرکت حمایت کرد بسیار عالی امیدوارم ادامه داشته باشه» کاربران دیگر نوشته‌اند:« کاش تو همه شهرها پارک قیطره بگذاشتن خیلی خوبه! توش ظروف پلاستیکی مثل آب معدنی بندازی واسه حیوانا

نوستالژی صف تلفن ۳۰ سال قبل!

۷۰ و با اختراع تلفن‌های همراه و تلفن‌های ثابت کم کم به فراموشی سپرده شدند و حالا در عصر دهه ۳۰هفت میلیارد و پانصد و شش میلیون) ریال و انجام خدمات فنی اتصالات در منطقه پیرگان و سکوگهای دریایی و منطقه پیرگان - شرکت نفت فلات قاره ایران



آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله ای شماره ۰۷۱/۹۸/ات
انجام خدمات تهیه و تامین مواد اولیه غذایی، طبخ، توزیع و سرو سه وعده غذا (صبحانه، ناهار و شام) و یک وعده غذای نیمه شب کارکنان
نوبتکار جهت کارکن شرکت در منطقه پیرگان و سکوگهای دریایی و خدمات اتقارداری در سکوگهای دریایی
شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد انجام خدمات فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی و یک مرحله ای و به مدت «دوازده (۱۲) ماه» به پیمانکار واجد شرایطی به شرح ذیل واگذار نماید:
الف: خدمات مورد نیاز:
انجام خدمات تهیه و تامین مواد اولیه غذایی، طبخ، توزیع و سرو سه وعده غذا (صبحانه، ناهار و شام) و یک وعده غذای نیمه شب کارکنان نوبتکار جهت کارکنان شرکت در منطقه پیرگان و سکوگهای دریایی و خدمات اتقارداری در سکوگهای دریایی
ب: محل اجرای خدمات:
منطقه پیرگان - شرکت نفت فلات قاره ایران
ج: مدت خدمات مورد نیاز:
دوازده ماه
د: شرایط متقاضی:
۱- توانایی ارائه ضمانتنامه "شرکت در فرآیند ارجاع کار" به مبلغ ۷.۵۲۶.۰۰۰.۰۰۰ (هفت میلیارد و پانصد و بیست و شش میلیون) ریال و انجام تعهدات طبق ضوابط کار فرما در صورت برنده شدن.
۲- توانایی ارائه ضمانتنامه "اجرای تعهدات" به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد و نیز کسر ۱۰٪ هر یک از پرداختهای قراردادی جهت تضمین حسن انجام کار.
۳- دارا بودن گواهینامه معتبر تشخیص صلاحیت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر الزامی است.
و سایر شرایط:
۱- به تقاضاهای مشروط و مبهم و ناقص و یا معایر یا شرایط مندرج در این آگهی و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر **شماره مجوز: ۱۳۹۸.۳۷۸۹**

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سر دبیر: سعید علیرضا کریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فرامانی (به سمت هفت تیر) کوچه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۰۹۱۲ ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
تلفن: ۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۷ شماره: ۸۸۳۲۱۲۹۹
چاپ: همشه‌ری (۳/روزتاب) - جاده مخصوص - تلفن: ۰۷-۴۴۵۴۵۰۷۶
توزیع: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۰۳۵-۳۵۲۴۶۹۱۹
مقالات و نوشتارهای ارسال به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۸ | ۲۱ | شماره ۵۵۶۶

چرا باور نمی‌کنیم دختر وزیر ۵سال بیکار بوده است؟

مصطفی دانشنده:
شبنم، دختر محمدرضا نعمت‌زاده که در مجموع و در دولت‌های

مختلف ۱۴ سال وزیر بوده است، ادعا می‌کند که: « فارغ التحصیل دانشگاه شهید بهشتی بودم. پدرم وزیر بود اما من ۵ سال بیکار بودم و کارهای هنری می‌کردم و بعد از ظهرا در داروخانه‌ها مشغول به کار بودم که در نهایت در سال ۸۸ و ۸۹ به واسطه یکی از دوستان به فکر تاسیس یک شرکت افتادیم.» او این حرف‌ها را در دادگاهی زد که برای بررسی اتهامات فساد اقتصادی وی برپا شده بود. خیلی از کسانی که این سخنان را شنیدند، باور نکردند. واقعا هم باور آن سخت است. دختر وزیر باشی و بیبکار؟! آنقدر مردم دیده و شنیده‌اند که فرزندان و نزدیکان مسئولان به واسطه شغل پدر به آلف و الوافی رسیدند که عکس آن دیده بورپذیر نیست، دختر یک وزیر آن هم وزیری که ۱۴ سال بر کرسی وزارت تکیه زده باشد، ۵ سال به دنبال رسیدن به یک شغل باشد؟ اصلا در ایران تبدیل به یک فرهنگ شده است. هر که به جایگاهی می‌رسد اول دست نزدیکان، اقوام و دوستان خود را می‌گیرد. حالا می‌خواهد وزیر شده باشد، یا مدیر یک شرکت یا حتی صاحب یک مغازه گزینیه اول. نزدیکان است. کافی است لحظه‌ای خودمان را جای این افراد بگذاریم و فکر کنیم اگر جای آنها بودیم چه می‌کردیم؟ خانواده خود را به سر کار می‌آوردیم یا رسم تازه‌ای در می‌انداختیم که به بچه‌های فامیل و دوستان می‌گفتیم نه، ما بر اساس شایسته سالاری تصمیم می‌گیریم. تصمیم سختی است. اگر روش دوم را در پیش بگیریم قطعا از سوی فامیل طرد خواهیم‌شد و یک چرسب خودخواه به ما چسباند خواهد شد. قانسون و آموزش دو نوش‌داروی این ماجراست. اگر قانون در مورد انتصاب‌ها از مدیر یا وزیر سوال می‌رسید یا او را مواخذه می‌کرد که چگونه یک شنبه بعد از رسیدن به وزارت، یک پسر یا دختر تو به یک شرکت خصوصی واردکننده یا صادرکننده رسیده است، دیگر کمتر مدیری حاضر می‌شد، هزینه آقا زاده بازی را پرداخت کند. یا اگر «ضاد منافع» تعریف و اجرا و فراتر از خود فرد برای اعضای خانواده هم اعمال می‌شد چه بسا کار به اینجاها نمی‌کشید. ضعف نظارت در کشور ما بسیار جدی است. انگار نظارتی وجود ندارد که شاهد برپایی دادگرفته‌های بزرگ و کوچک فساد در کشور هستیم. حال آن که به قول این شعار معروف بهداشتی «پیش‌گیری بهتر از درمان است.» موضوع بعدی آموزش است. باید از کودکی به فرزندان خود آموزش بدیم که برای رسیدن به شغل و زندگی بهتر مهارت کسب کنند نه اینکه امید داشته باشند پدرشان به جایگاهی برسد و آنها از این جایگاه به سوی زندگی بهتر پرتاب شوند. متأسفانه الان در جامعه ما همه دوست دارند به واسطه دیگری، موفق شوند: پدر، پسر زن، دوست و... در جامعه ما باید کسب مهارت فضیلت باشد نه چسبندگی به دیگران. خیلی از ما وقتی می‌شنویم دوستی، آشنایی یا حتی غریبه‌ای که وضع مالی آنچنانی ندارد و در زندگی شخصی هیچ موفقیتی نداشته ولی توانسته با یک خانواده پولسدار ازدواج کند، او را تشویق و زرنگ می‌خوریم که کسی که کسب مهارت کرده و براساس شایستگی خودش زندگی می‌کند را ساده خطاب می‌کنیم. نکته دیگر هم این که اگر احزاب واقعی داشته باشیم و پارلمان هم حزبی باشد قدرت دست به دست می‌شود و در این حالت یک نفر سال‌های متمداری وزیر نمی‌ماند که دختر و پسر او را خیال بردارد. به‌خاطر همه این مسائل است که صحبت‌های دختر وزیر را باور نمی‌کنیم. اصر ایران